

عاشق بارانی من

تالیف: مهرش توکل

سرشناسه	: توکل، مهوش، ۱۳۵۲ -
عنوان و نام پدیدآور	: عاشق بارانی من / تالیف مهوش توکل.
مشخصات نشر	: تهران: آرنا، ۱۳۹۲.
مشخصات ظاهری	: ۱۷۱ ص؛ ۵/۱۴×۲۱/۵ مس.م.
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۱۴-۷۲-۵
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: داستان‌های فارسی — قرن ۱۴
رده بندی کنگ	: PIR/۸۳۳۷ و ۱۳۹۲۲۳ ۲ ع
رده بندی دیسی	: ۶۲/۳۶۸
شماره ثبت کتابخانه ملی	: ۳۳۹۶۹۰۳



نشر آرنا

عنوان	: عاشق بارانی من
نویسنده	: مهوش توکل
ناشر	: آرنا
طرح جلد	: غزل زرگر
صفحه آرایشی	: الهه بذرافشان
چاپ	: اول ۱۳۹۲
شمارگان	: ۱۰۰۰ نسخه قیمت: ۸۰ ۰۰ تومان
شابک	: ۹۷۸-۶۰۰-۷۲۱۴-۷۲-۵

فهرست مطالب

فصل اول - مرد بارانی پوش	۸
فصل دوم - مادرم ناهید و پدرم ساسان	۱۰
فصل سوم - بی بی پوراندخت	۱۳
فصل چهارم - آرمین	۱۶
فصل پنجم - انیس	۱۸
فصل ششم - انگستر	۲۲
فصل هفتم - سید علی	۲۵
فصل هشتم - روح در طبقین دوم	۲۷
فصل نهم - استاد خصوصی مسعود احمد اصفهان	۳۰
فصل دهم - دزد خانه‌ی آقای حشمت‌الدین	۳۴
فصل یازدهم - قصه‌ی زرگر ایتالیایی از زبان بی بی	۳۸
فصل دوازدهم - ترمه	۴۰
فصل سیزدهم - آن روز خواستگاری	۴۲
فصل چهاردهم - گریزی از عشق نیست!	۴۷
فصل پانزدهم - نوه‌ی سالار خان، باربد	۵۰
فصل شانزدهم - دیدار با پدرم	۵۲
فصل هفدهم - خواستگاری باربد از من	۸۵
فصل هجدهم - لاله	۸۸

۹۱.....	فصل نوزدهم - مراسم ازدواج بی مهمان.....
۹۶.....	فصل بیستم - شناسنامه‌ی سالار خان.....
۹۸.....	فصل بیست و یکم - تولد درین.....
۱۰۰.....	فصل بیست و دوم - بی خبری.....
۱۰۳.....	فصل بیست و سوم - فوت بی بی.....
۱۰۹.....	فصل بیست و چهارم - آرمین کجاست؟.....
۱۱۵.....	فصل بیست و پنجم - پیدا شدن آرمین و دستگیری اشرار.....
۱۲۱.....	فصل بیست و ششم - گاهی سیب گاهی انار!.....
۱۲۳.....	فصل بیست و هفتم - پیدایش اولین فرزندم بهروز.....
۱۲۹.....	فصل بیست و هشتم - ماه عسل به نفره.....
۱۳۳.....	فصل بیست و نهم - درخت گردو.....
۱۳۸.....	فصل سیام - جشن تولد ابراهیم.....
۱۴۲.....	فصل سی و یکم - دومین دیدار با پدرم و شایان.....
۱۴۷.....	فصل سی و دوم - جنگل ناشناخته.....
۱۶۶.....	فصل سی و سوم - دیدار دوباره‌ی فرانسیس.....
۱۶۹.....	فصل سی و چهارم - سیسمونی دخترانه.....
۱۷.....	فصل سی و پنجم - گاهی هم عشق محتاج آدمیست.....

پیشگفتار

سپاس به درگاه ایزد متعال که یگانه ذات است و هستی بخش کتایی که اکنون پیش رو دارید، شرح حال کوتاهی از زندگی نورا می‌باشد که در اوایل جوانی پس از فوت همسرش با وقایع مختلفی روبرو می‌شود و سپس سرنوشت او به گونه‌ای با زندگی زنی به نام لاله در می‌آمیزد، شما می‌توانید با "لاله" در رمان "پژواک عشق"، که تالیف خود اینجانب و همین انتشارات است، آشنا شوید، به عبارتی رمان "عاشق بارانی من" دنباله‌ی رمان "پژواک عشق" می‌باشد. با تالیف خود اینجانب است. با این وجود در صورت عدم مطالعه‌ی رمان "پژواک عشق" اینجانب، با خللی در درک رمان "عاشق بارانی من" مواجه نخواهید شد، زیرا هر کدام از این دو رمان در عین ارتباط بودن با یکدیگر، به رمان مستقلی سرنوشت دو زن مختلف را برای خوانندگان مجسم می‌سازد، ادامه‌ی داستان مرتبط با سرنوشت فرزندان لاله و نورا خواهد بود که ان شاءالله به زودی تالیف خواهد شد، رمان سوم اینجانب نیز در حین مرتبط بودن با این دو رمان به طور کاملاً مستقل از این دو مطالعه شده و قابل فهم باشد. بنده همواره مطالبی را در پیشنهادات و انتقادهای سازنده‌ی شما جهت رفع نواقص کار خود هستم. به شما می‌گویم که لازم می‌دانم از همه‌ی کسانی که در به سرانجام رسانیدن و اصلاح اشتباهات آن مرا یاری نمودند، تشکر و از خداوند منان بهترین‌ها را برای این عزیزان و شما بنمایم.

با تشکر

مهوش توکل

۹۲/۱۰/۲۰

فصل اول - مرد بارانی پوش

راننده‌ی آژانس به خاطر بارانی که هم جوی باریک وسط کوچه را پر کرده و سرریز شده و هم همه‌ی چاله چوله‌های وسط کوچه را پر از آب و گل کرده بود، از آمدن به داخل کوچه صرف نظر کرد، همانجا کنار خیابان ایستاد و در سابل اصرارهای من که می‌گفتم چمدان دارم و برایم سخت است آن را به تنم تا داخل کوچه بکشم، گفت: "نازه توی مکتوبه مصالح ساختمانی هم ریخته"

چاره‌ای نبود، چمدانم را برداشتم و میر بارانی که دیگر داشت زورهای آخرش را می‌زد، به سمت خانه‌ی پایی راه افتم که چشمم به مرد بارانی پوش افتاد، او درست از سمت مقابل من داشت و دستش را به من می‌داد، با چند عدد نان سنگ توی دستهایش. تا نگاهم با نگاه عسلی‌اش آمیخت، دلم لرزید!

شاید آن باران، باران عاشقی بود و یا آن مرد، عاشق بارانی بود. دلم خودش را به سمتش می‌کشید، چیزی که در همان لحظات اول شرم داشت که من آن را برای خودم بازگو کنم، نباید آنقدر زود و هنوز نرسیده، برای دلم مغفرت درست می‌کردم!